

سیر تحول روزه و روزه خوانی دوره قاجار

فاطمه بینشی فرا^۱

چکیده

در عصر قاجاریه مراسم عزاداری و سوگواری امام حسین (ع) وارد مرحله جدیدی شد و از لحاظ شکلی توسعه و نیز از لحاظ محتوا دگرگونی‌هایی یافت. در این دوره عزاداری برای امام حسین (ع) بصورت امری عمومی و مردمی درآمد، به طوری که در تهران و شهرهای بزرگ در تمام ماه‌های محرم و صفر در اغلب محله‌ها با برپا کردن چادر و گستردن فرش و نصب علم و کتل، عزاداری می‌کردند. در بیشتر مساجد و تکیه‌ها نه یک روزه‌خوان، بلکه چندین روزه‌خوان متناوباً به ایراد سخنرانی و شرح مصیبت امام حسین (ع)، می‌پرداختند. اما تعزیه و دسته‌گردانی با مجالس روزه منافاتی نداشت و معمولاً این دو در وسط روز انجام می‌شد و مجالس روزه بعد از نمازهای جماعت برگزار می‌گشت، خصوصاً مجالس عزاداری در منازل که رکن اصلی آن را روزه‌خوانی و سخنرانی در رثاء اهل بیت تشکیل می‌داد. یکی از مسائل مورد توجه، سیر تحول روزه و همچنین این که نقش زنان در این مجالس بوده است. رونق آئین تعزیه، باعث رکود روزه و روزه‌خوانی در دوره قاجار شد. تعزیه به دلایل مختلف، از جمله ماهیت نمایشی‌اش، به مراتب جذاب‌تر و عوام‌پسندتر از روزه‌خوانی بود و طبیعی بود که عامه آن را به روزه ترجیح دهند از بعد محتوایی هم رواج تعزیه ارکان روزه‌خوانی را تضعیف و متزلزل کرد. در این پژوهش به روش توصیفی - تحلیلی چگونگی برپایی مراسم روزه‌خوانی، براساس سفرنامه‌های داخلی، خاطرات، زندگی‌نامه‌ها، کتب مذهبی، ادبی و روزنامه‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرد.

واژه‌های کلیدی: قاجار، روزه، محرم، عزاداری، موقوفات

۱. کارشناسی ارشد تاریخ ایران اسلامی دانشگاه شیراز

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۲/۱۱ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۰۶/۲۵



مقدمه

در یک تقسیم بندی کلی، در مورد پیشینه روضه و روضه خوانی، بررسی منابع منبری و شرح حال واعظان عصر قاجار نشان می‌دهد که عصر قاجار را از نظر تحول وعظ و خطابه باید به سه دوره متمایز تقسیم کرد:

۱ - در دوره‌ی نخستین، که از عصر قبل از قاجار تا اواخر سلطنت فتحعلی شاه ادامه یافته است از منبر استفاده‌ی کافی به عنوان یک رسانه‌ی تبلیغاتی یا وسیله‌ی ارشاد دینی و فرهنگی نمی‌شده است، بلکه اقبال مردم بیشتر به روضه‌خوانی و تعزیه-داری در تکایا و حسینیه‌ها بوده است.

۲ - در دوره‌ی دوم یعنی از اواخر دوران فتحعلی شاه تا اوایل سلطنت مظفرالدین شاه، طبقه‌ی خاص و تحصیل کرده‌ای به نام واعظان پیدا شدند که جایگاهی والاتر از روضه‌خوانان داشتند. امثال سید واعظ شیرازی در اواخر سلطنت فتحعلی شاه و اوایل سلطنت محمدشاه و ملا اسماعیل واعظ سبزواری در دوره‌ی ناصرالدین شاه. در این دوره مواعظ اخلاقی و دینی توأم با داستان‌های آموزنده و توضیحات ذوقی، محتوای منبر را تشکیل می‌دادند.

۳ - در دوره‌ی سوم که با ظهور افکار ضد استبدادی سید جمال‌الدین اسدآبادی شروع شد و بعد با انقلاب مشروطیت به اوج رسید، خطبای زیادی به منظور حمایت از آزادی‌خواهی ملت ایران در برابر دولت قاجار از منبر استفاده کردند (امین، ش ۳ و ۴، ۱۳۷۳: ۱۴۵).

تا قبل از مشروطیت، وعاظ معروف بر اثر نداشتن آگاهی سیاسی و بُعد مردمی، با دولت قاجار احساس تضادی نمی‌کردند اما هر چه از مشروطیت می‌گذشت منبر به طور فزاینده‌ای ضد دولتی می‌شد. هر چند دسته‌ها و تعزیه در عزاداری امام حسین (ع) نقش و جایگاه خاصی داشتند، اما نباید از نظر دور داشت که گل سرسبد مجالس



عزاداری امام حسین (ع)، روضه خوانی بود و در مساجد و تکیه‌ها نه یک روضه خوان، بلکه چندین روضه خوان متناوباً به ایراد سخنرانی و شرح مصیبت امام حسین (ع) می‌پرداختند. اما تعزیه و دسته‌گردانی با مجالس روضه منافاتی نداشت و معمولاً این دو در وسط روز انجام می‌شد و مجالس روضه بعد از نمازهای جماعت برگزار می‌گشت، خصوصاً مجالس عزاداری در منازل که رکن اصلی آن را روضه خوانی و سخنرانی در رثاء اهل بیت تشکیل می‌داد. (آوری، ۱۳۸۵: ۷/۳۳۵)

در روضه خوانی که مردم معمولاً به آن روضه می‌گفتند، همه اقشار و طبقات مردم شرکت می‌کردند و محل برگزاری آن در سابق، بیشتر چادرهای سیاهی بود که در میدان‌های عمومی شهرها یا روستاها برپا می‌کردند. البته این مراسم در مساجد یا حیاط خانه‌ها و نیز بناهای ویژه‌ای به نام حسینیه یا تکیه نیز انجام می‌گرفت. این مکان‌ها را به خوبی مفروش می‌کردند و با نوارها و پرچم‌های سیاه عزاداری و نیز انواع سلاح‌ها که یادآور نبرد کربلا بود درست می‌کردند. روضه خوانی یا برای عموم و در سطح گسترده برگزار می‌شد یا در مقیاسی کوچک برای زنان خانه و زنان اقوام و دوستان و همسایگان. مراسم اصلی روضه خوانی در دو ماه محرم و صفر برگزار می‌شد، اما در هر زمان از سال به خصوص در شب‌های جمعه نیز برگزار می‌گردید. در این پژوهش، ضرورت مطالعه درباره اوضاع و مسائل مذهبی برای شناخت مولفه‌های مهم در حیات جامعه‌ی ایران، شناخت مراسم مذهبی را به عنوان بخشی از اعتقادات و آداب و رسوم، مهم می‌نماید. این پژوهش با ارائه بخشی از اوضاع مذهبی (روضه و روضه خوانی) مؤثر در بخش‌های مختلف جامعه‌ی دوره قاجار، علاوه بر شناخت اوضاع مذهبی، در شناخت اوضاع اجتماعی و فرهنگی مهم خواهد بود.



محتوای مراسم روضه خوانی

روضه معمولاً با ستایش آوازگونه‌ی پیامبر و امامان توسط فردی به نام مداح آغاز می‌شد. مداحی آمیزه‌ای است از حکایت و آواز با وزن و فراز و فرود آهسته. مداح زمینه را برای شروع کار روضه‌خوان فراهم می‌ساخت و این روضه‌خوان، واعظ تعلیم دیده و با تجربه‌ای بود که شیوه گفتار او با سخن آرام و آواز درباره امام حسین (ع) و یاران شهیدش پیوسته در تغییر بود. او با بالا و پایین بردن صدای خود قادر بود حضاران را به شدت به هیجان آورد. گاهی مجلس روضه خوانی با فریاد حضاران قطع می‌شد. سپس نزدیک به پایان مراسم که حضاران به اوج شدت و اندوه می‌رسیدند، گاه به زاری و سینه‌زنی و زنجیرزنی می‌پرداختند. بعد از مدتی، روضه‌خوانی با مرثیه‌خوانی دسته‌جمعی، که به آن نوحه‌خوانی می‌گفتند به پایان می‌رسید. (همان: ۳۵۳)

آیین‌های سوگواری ماه محرم، نظیر روضه‌خوانی و دسته‌گردانی را تجلی عبادت و ایمان و تقوا دانسته‌اند و نباید آن را از مقوله سرگرمی دانست. مردم به خصوص در شهرهای کوچک و دهات، مشتاق رسیدن ماه محرم و شرکت در مراسم آن بودند. سخنان روضه‌خوان در عین حال تبدیل به وسیله‌ای برای طرح مسائل جاری محلی یا مسائل و مشکلات سیاسی دولتی برای حضاران شده بود.

دولت آبادی در رابطه با روضه‌خوانی مطالبی را بیان کرده است:

«برای اداره بزرگ روضه‌خوانی، روضه‌خوان بسیار در هر شهر و در هر قصبه و هر ده لازم شده و چون کار باشرف با دخل بی‌سرمایه‌ایست از سادات و آخوندها خاصه کسانی که فی‌الجمله آهنگ صدایی داشته باشند، فوج فوج داخل این شغل شده شعری چند در مرثیه حفظ نموده، کتاب‌های روضه فارسی را خوانده، اغلب از جعل کردن مطالبو دروغ گفتن و افترا بستن به خداوند، پیغمبر و امام مضایقه ندارند، فقط شهرت یافتن،



محل توجه آنهاست و آن نمی‌شود مگر آنکه از روضه‌خوانی آنها مجالس گرم و فریاد و داد شنوندگان زیاد بلند گردد و به اصطلاح خودشان مجالس آنها بگیرد، البته در میان ایشان اشخاص متدین بااخلاص هم پیدا می‌شود و نمی‌شود نباشد». (دولت آبادی، ۱۳۶۱: ۵۴/۱)

به هر صورت اهل منبر طایفه مهمی بودند، که یک قسم آنها محترم‌تر از دیگران بودند و آن‌ها کسانی بودند که عنوان ملائی و واعظی داشتند. بعد از آنها روضه‌خوان‌های باسواد بودند، بعد از آن باآواز و همینطور تا برسد به درجات پائین‌تر. در هر شهر چند تن از این طایفه ترقی کرده بودند، متمول شده بیشتر طرف ملاحظه قرار می‌گرفتند، چه در نظر روحانیون و چه در نظر دولتیان، چون که رجال دولت یکی به واسطه توجه عوام به آن‌ها ملاحظه داشتند و دیگر به خصوصیت‌های شخصی، زیرا که غالباً اشخاص باذوق عیاش داخل این شغل می‌شوند و مشرب آن‌ها با مشرب دولتیان نزدیک‌تر بود، اما در نظر روحانیون یکی به سبب اهمیت کار روضه‌خوانی و توجه عوام به آن کار و دیگر به ملاحظه این که اهل منبر در منبرها حضوراً آن‌ها را دعا کرده، مدح و ثنا می‌گفتند و بر اعتباراتشان نزد عوام افزوده می‌گردید. (همان: ۵۵)

گزارش‌های نظامیه از وقایع مختلف محلات تهران در سال‌های ۱۳۰۳ تا ۱۳۰۵ ق. بر اهتمام مردم به برپایی مراسم عزاداری سرور شهیدان، گواهی می‌دهد. برای نمونه، نظامیه در ضمن گزارش وقایع دوشنبه غره شهر ذیقعه الحرام ۱۳۰۳ در محله‌ی عودلاجان می‌نویسد:

« دیروز عصر در خانه حاجی میرزا حسین تاجر، مجلس روضه‌خوانی بوده است. جمعی از تجار و غیره در آن جا حضور داشتند، غروب متفرق گردیدند» (گزارش‌های نظامیه، ۱۳۷۷: ۳/۱) در گزارش همان روز، به قراری مجالس روضه در خانه تنی چند از ساکنان محله‌ی چالمیدان و محله‌ی



بازار نیز تصریح شده است و گزارش‌های نظمیه در روزهای بعد نیز همین‌گونه بوده و کمتر روزی است که خبر از برگزاری مراسم عزاداری داده نشده باشد. اهتمام مردم به این امر به حدی بوده که حتی در شب، روزی چون یازدهم ذی‌قعدة (سالروز تولد حضرت امام رضا علیه السلام) مجالس عزاداری برپا شده است و گزارش داده‌اند که در این شب در محله دولت، در خانه‌ی حاجی حسین نام بزاز، در محله‌ی سنگلج، در خانه شیخ رضا و در محله عودلاجان در خانه حاجی علی، مجلس روضه‌خوانی بوده است و شرکت‌کنندگان در آن مجالس پس از صرف شام متفرق شده‌اند. (گزارش‌های نظمیه، ۱۳۷۷: ۳/۱)

بر اساس همین گزارش‌ها، این آگاهی حاصل می‌شود که در شب دوازدهم ذی‌قعدة سال ۱۳۰۳ ق. در یازده خانه در محلات مختلف تهران مجالس عزاداری برپا بوده است. بدیهی است که در دو ماه محرم و صفر بر تعداد این مجالس افزوده می‌شده است. در دهه‌ی نخست محرم تعداد این مجالس به حدی بوده که گزارش‌های مستقلی در مورد آن‌ها به شاه ارائه شده است. این گزارش‌ها با عنوان راپورت مجالس روضه‌خوانی و تکایا مربوط به مراسم روز جمعه ۲ محرم ۱۳۰۴ تا جمعه ۹ شهر محرم الحرام ۱۳۰۴ بوده و در آن‌ها به تفصیل در مورد برگزارکنندگان مجالس عزاء، نحوه‌ی برگزاری مراسم عزاداری و پذیرایی از شرکت‌کنندگان سخن گفته شده است. از جمله:

« جمعه ۲ شهر محرم الحرام ۱۳۰۴. دیشب نواب ارفع و امیرزاده پسرش و... با جمعی از اعیان و اشراف در مجلس روضه‌خوانی جناب امین-السلطان حضور داشتند. جمعیت کثیری از دراویش و فقرا آمده، شام کاملی هم به مردم داده و هم مبلغی پول دادند... امسال از سایر سال‌ها در این مجلس جمعیت زیادتر است. دایی ابراهیم، ناظر درب حرمخانه‌ی مبارکه

در خانه‌اش، مجلس روضه دارد. یازده نفر از سادات روضه می‌خوانند. از بعد از ظهر در خانه جناب عضدالملک مجلس روضه‌خوانی است. نه نفر از ذاکرین معروف روضه می‌خوانند، جمعی کثیر در آنجا حضور داشتند. ساری اصلان اول آفتاب در خانه‌اش مجلس روضه دارد. جمعیت زیادی - شود. چند نفر از ذاکرین معروف روضه می‌خوانند. علی‌الرسم هر یک از اهل مجلس را دو دانه نان لواش و چایمی دهند». (همان: ۱۹۸)

در این گزارش‌ها، همچنین از برقراری مجلس روضه‌خوانی زنانه در منزل حاجی میرزا شفیع لشکرنویس، پرداخت مخارج شام و مجلس روضه‌خوانی منعقد شده در منزل سید ابوطالب صدرالذاکرین از سوی وزیر نظام، حضور جمعی کثیر از فقرا و اهل محله در مجلس روضه‌خوانی نواب امیر آخور، پرداخت پول به فقرا و مساکین شرکت کننده در مجلس روضه‌ی خانه‌ی ناظم خلوت، اقدام مستوفی‌الممالک به دعوت از چهل نفر طلبه، برای شرکت در مجلس عزاداری و پرداخت یک هزار دینار وجه نقد به هر یک از آنها و برگزاری مجلس عزاداری در منزل مرحوم حاجی سید صادق مجتهد سنگلجی با شرکت سید محمد طباطبایی خبر داده شده و درباره‌ی مجلس روضه‌خوانی تشکیل شده در خانه حاج ملا علی کنی مجتهد برجسته آن روزگار چنین آمده است:

«چهار ساعت به غروب مانده در خانه‌ی جناب حاجی ملا علی مجلس روضه‌خوانی است. قریب بیست نفر از ذاکرین معروف و غیر معروف روضه می‌خوانند. جمعیت زیادی می‌شود. از هر طبقه مردم در آنجا حضور داشتند. چای و غلیان وافر به مردم می‌دهند. گاهی در این مجالس اتفاقات پیش‌بینی نشده‌ای رخ می‌داد». مأموران نظمیه برخی از آن اتفاقات را گزارش کرده‌اند، از جمله خبر داده‌اند. «به سبب مفقود شدن یک عدد



سرقلیان در مجلس روضه‌ی منزل اقبال السلطنه خدام مجلس، هر کس از آن جا خارج می‌شد، او را می‌کاویدند و به مردم از این حرکت، خیلی بد گذشته بود همچنین خبر داده‌اند که در مجلس روضه‌ی منزل آقا شیخ جعفر پیشنماز... دو سه نفر به واسطه‌ی چای نزاعشان شده، می‌خواستند زد و خورد کنند، خدام آن‌ها را ساکت کرده، از آن جا خارج می‌نماید یا دیروز جمعی از خوانین قاجار، طلاب و اهل محله در مجلس روضه - خوانی جناب عضدالملک حضور داشتند. بعد از روضه به زن‌ها یکی، پنج شاهی پول می‌دادند. زن‌ها به واسطه‌ی پول ازدحام کرده روی هم ریخته نزدیک بود بعضی صدمه بخورند. آن‌ها را متفرق کردند». (گزارش‌های نظمیه، ۱۳۷۷:۱/۲۱۳)

نقش وقف و موقوفات در روضه خوانی

در دوره قاجار در خصوص برگزاری عزاداری و محرم وقف‌هایی نیز صورت می‌گرفته است. خانلرخان اعتصام‌الملک در مورد سفر خود به بیرجند در خصوص وقف بیان می‌کند:

«در ولایت قائن سه مدرسه است. یکی در شهر قائن. یکی در بیرجند که این دو را رفته و از طلاب آنها احوالات پرسیده‌ام. دیگری در بلوک درخش است که وضع آنرا هم از آقا محمد علی مجتهد درخش که حال در بیرجند است و به دیدن من آمده است، شنیدم. به هریک از این مدارس سالی هفتصد تومان از محصول املاک خودش وظیفه طلاب می‌دهد. و ازقراری که همه‌کس می‌گوید، در همه بلوکات قائن، هرچه بقاع امامزاده و مشایخ و سادات هست، شمع و چراغ و فرش و مواجب خادمش از



اوست. در صحراها و منازل بی آب هرچه برکه و آب دیدم، گفتند بنای اوست، و شهرت دارد که در ایام محرم در بلوکات قائن صد و سی تکیه به اسم او تعزیه داری می شود، و خرج همه از مال و محصول املاک اوست». (اعتصام الملک، ۱۳۵۱: ۳۱۹)

خانه ثقة الاسلام تبریزی از سالیان دراز همه ساله از محل درآمد موقوفات که در اختیار داشتند، در ماه محرم روضه خوانی می شد و اطعام می کردند، از فقیر و غنی هم دعوت می شدند، این رسم تا ۱۳۱۳ شمسی ادامه داشت. چنانکه در مجموع آثار ذکر شده:

«روضه خوانی در ۱۶ ماه ختم شد، مجلس امسال بحمدالله نظیر نداشت تجیر دوزاندم تا اواسط دهه تجیر می کشیدند بعد از آن بالتمام برداشته تمام مسجد با ایوان های فوقانی و تحتانی به قسمی مملو می شد که جای یک نفر باقی نمی ماند، مردم در کفش کن سرپا می ایستادند و فوج فوج آمده مستفیض شده برمی گشتند باز مجلس پر می شد». (تبریزی، ۱۸۸: ۲۵۳۵)

از مجموع اسناد دوره ناصری آشکار می شود که شیخ فضل الله نوری در زمینه موقوفات نیز اقداماتی انجام داده است:

«در ۲۷ محرم، قیومیت و اذن شرعی داده ام این احقر به جناب مستطاب حاجی میر محمد حسین اخوی و سرکار حاجی میرزا عبدالباقی حکیم باشی و سرکار آقا میرزا اسماعیل صدر الاطباء در باب املاک موقوفه متعلقه به تکیه و مسجد حسین بیگی واقعه در محله عودلاجان دارالخلافة که همه ساله به اطلاع و استحضار آقا میرزا کوچک ساویجی که فعلاً امام جماعت است و در آن مسجد منافع و محصول املاک را جمع و ضبط و مداخله نماید و بعد از وضع مخارج لازمه در تعمیر اعیان موقوفه، منافع



را در ایام عاشورا به رسم معمول سنواتی در مصارف عزاداری حضرات معصومین (ع) و خریداری لوازمات و اسباب صرف نمایند». (اتحادیه و روحی، ۱۳۸۵: ۲/۵۱۴)

همچنین در جایی دیگر از این کتاب آمده است:

«حاجی سلمان خان خدابنده لوئی کرمانشاهانی الاصل به اینکه وقف صحیح شرعی نمود همگی و تمامی کلّ شش دانگ یک باب عمارت متصرفی خود را که واقع است در محله سنگلج محدود به حدود ذیل به خانه رضا بیک غلام، به خانه علی محمد و زن حاجی رحیم به شارع عام، به خانه علی اکبر بیک غلام، به خانه رجب علی خان با تمام توابع و لواحق از اندرونی و بیرونی و فوقانی و تحتانی از هر جهت و هربابت بر مصرف تعزیه‌داری جناب سیدالشهداء (ع) و اصحاب بزرگوار و انبیاء و اولیاء به نحو متعارف هرساله متولی منافع آن را بعد از صرف تعمیرات لازمه عمارت مسطوره و بعد از وضع یک خمس از منافع که حق التولیه متولی بعد غیر از خود واقف بوده باشد در هر مکان که متولی صلاح داند صرف تعزیه‌داری از اطعام و قهوه و قلیان و حق روضه‌خوان و غیر ذلک که متولی صلاح داند صرف نمایند و تولیت آن را واگذارد به خود مادام حیات و بعد به جناب شریعتمدار حاجی آقا محمد نجم‌آبادی و بعد به اولاد ذکور ایشان و ذکور از ذکور ماتعاقبوا و تناسلو با شرط تقوی و با اقربا و خویشان ایشان که متّصف به صفت مذکوره باشند و بعد با مجتهد جامع‌الشرایط است. تاریخ وقف‌نامه‌چه در محرم هزار و دویست و نود و نه است، در دو طغری نوشته است. مهر و سجل دارد». (همان: ۶۶۴)

در زمینه مدرسه‌های موقوفی در شیراز مواردی وجود دارد از جمله:



«مدرسه حسینیہ حاجی قوام‌الملک شیرازی از بناهای مرحوم حاجی میرزا علی اکبر قوام‌الملک در محله بالا کفت در سال ۱۲۷۰ و اند مسکون گردید و سقف ایوان این مدرسه را بر دو ستون سنگی یکپارچه به ارتفاع پنج ذرع شاه گذاشته و حجرات و عمارتش را به وضعی خاص ساخته‌اند و املاکی وقف بر آن مدرسه حسینیہ نموده که بعضی از مداخل آنها در ایام عاشورا، صرف تعزیه‌داری جناب خامس آل‌عبا نمایند». (حسینی فسایی، ۱۳۸۲: ۱۲۲۲/۲).

از جمله موقوفات دیگری که در زمینه مراسم محرم و سوگواری عاشورا دوره قاجار انجام شده، می‌توان اشاره کرد:

«در ۱۱ شهر شوآل، وقف صحیح شرعی نمود آقا محمد ابراهیم، خلف مرحوم ملّا آقا بابای نوری ساکن قریه بل مساحت و مقدار چهار دانگ از کلّ شش دانگ عرصه خانقاهه مخروبه واقع در قریه مزبوره که از ورثه مرحوم یحیی بیک و شیخ عبدالغفور خریداری نمود که در آنجا بقیه از تکیه و حسینیہ و محل اقامه عزاداری جناب سید الشهداء روحنا فداه بنا نهاده شود و تولیت آن را به خود واگذار نمود، مادام حیات و بعد با علم و اتقی اهل قریه مزبوره صیغه وقف جاری شد و وقف‌نامه مهر و سجل دارد. مقدّس نسبی مساحت نصف از زمین مشهور به لاله کاک را که واقع است در قریه نسن و تماماً مقدار یک خروار است بر اینکه منافع این نصف در مدّت بیست سال به جهت مرحومه عمه‌جانی والده ایشان صوم و صلواة بشود و همچنین وقف شرعی نمود خان ننه بنت مرحوم ملّا محمود نسبی نصف دیگر از مزرعه مذکوره را که منافع آن تا مدّت بیست سال به جهت والد ماجدش صوم و صلواة داده شود پس از مضمی مدّت مذکوره



منافع تمام یک خروار بذرافشان هر ساله در تکیه نسن در ایام عاشورا اقامه عزاداری جناب خامس آل عبا سلام الله علیه و علی آبائه صرف اطعام شود و تولیت آن را هردو طرف واگذار نمودند به جناب آخوند ملا ولی و بعد از ایشان راجع است به حاکم شرع مطاع و حدود مزرعه در وقف نامچه نوشته شده است. مهر و سچل دارد». (اتحادیه و روحی، ۱۳۸۵: ۶۹۰)

عبدالله مستوفی در خاطرات خود وضعیت روضه خوانی در دوره قاجار را این گونه بیان می کند:

«روضه خوان ها، دو صنف بودند، یکی واعظین که بعد از خطبه افتتاحیه و طرح کردن یکی از آیات قرآن وارد تحقیق در اطراف آیه شده و با ذکر امثال و حکم، مطالب عالی اخلاقی و مذهبی را تشریح و توضیح و با ذکر اشعار مناسب مطلب را دلنشین کرده و در آخر هم مقداری ذکر مصیبت نموده، منبر خود را به دعای شاه و عموم مسلمانان و صاحب خانه ختم می کردند. دسته دیگر روضه خوان به معنی اخص بودند که منبر را به سلام بر سیدالشهداء شروع و بلافاصله وارد ذکر مصیبت شده و به قدر ده دقیقه نظم و نثر مخلوط کرده و در آخر باز هم منبر را به دعای سابق الذکر ختم می نمودند. برای واعظین سواد و برای ذاکرین آواز از لوازم بود. هنوز روضه خوان های بی سواد بی آواز وارد این صنف نشده بودند. حتی ذاکرین هم اکثر مردان باسوادی بودند و از عهده موعظه هم برمی آمدند، هنوز طرز روضه خوانی از روی کتاب ملا آقای دربندی رواج نگرفته بود».

(مستوفی، ۱۳۲۴: ۱/۳۷۲)

مستوفی در مورد تجملات و شیوه برگزاری روضه خوانی بیان می کند که:

«اعیان و رجال مملکت روضه‌خوانی را وسیله تظاهر و تجمل قرار داده، روی دست همدیگر بلند شدند. کم‌کم جنبه‌های عزاداری این مجالس از بین رفت و روضه‌خوانی برای اعیان وسیله‌ی دید و بازدید و برای توده وسیله‌ی سرگرمی شد، روضه‌خوان‌ها پایی ارشاد مردم به راه حق نبوده، هر کس صدای نعره‌زن‌ها را بیشتر درمی‌آورد معروف‌تر می‌شد. صاحب مجالس‌ها هم برای این که جمعیت زیادتری به مجلس خود جلب کنند پایی، منظور اصلی نبوده، بیش‌تر به فروع می‌پرداختند و حتی بعضی برای جلب عده‌ی بیشتر، شاهی سفید و پنج شاهی و ده شاهی به مردم می‌دادند و این رویه تا آخر سلطنت مظفرالدین شاه روز به روز در ترقی بود.» (همان: ۳۷۶)

در مورد پول دادن و بخشش‌ها، ناصرالدین شاه در خاطرات خود در محرم ۱۳۰۲ ق. آورده است:

«روز هفتم که روی تخت به روضه‌خوان‌ها پول دادند، امسال هیچ بی‌نظمی نشد، چون آقا سید محسن روضه‌خوان، امسال نقیب‌السادات شده است و اوضاعی برپا کرده است و سیدها را امر و نهی می‌کند» (ناصرالدین شاه، ۱۳۷۸: ۱۰۸)

دیوان بیگی (میرزا حسین خان) در خاطرات خود در مورد روضه‌خوانی اشاره دارد:

«از اول عاشورا در هر جا و هر منزلی شب‌ها و صبح‌ها روضه می‌خواندند. مخصوصاً از شهر، روضه‌خوان‌های معروف به آن جا آمده بودند و سراپرده‌ی بزرگی برای روضه‌خوانی شاه، زده بودند. اطراف آن چادرهای متفرقه برای حرم‌ها و اجزاء زده بودند. از شب نهم تا صبح محرم در این مکان اتراق بود. در عاشورا به رسم شهر، دسته‌های فراشخانه و قاطرخانه و آشپزخانه راه افتاده بود. بعد از ظهر عاشورا، شاه به اغلب اجزای اردو



وروضه‌خوان‌ها و اشخاصی که در روضه خدمت کرده بودند خلعت‌ها و انعام‌ها و چند لقب به روضه‌خوان‌ها داد». (میرزا حسین خان، ۱۳۸۲: ۱۸۷)

چنان که از گزارش‌های تاریخی استنباط می‌شود، مجالس زنانه‌ی روضه‌خوانی در دوره قاجار امری رایج بوده است. البته برگزاری مجالس روضه زنانه میان علما مخالفانی هم داشت. مخالفانی که منبر رفتن، وعظ کردن و روضه خواندن زنان را دور از شئون می‌دانستند. این مجالس از جانب زنان گاه به صورت مستقلی، صورت می‌گرفت و در باز کردن نقطه‌ی کور و ویرانی بن‌بستی که در پس آن محبوس بودند، کمک می‌کرد. همچنین برخی مواقع در حکم شاه کلیدی بود که می‌توانست درهای بسته‌ای را که مانع استیفای حداقل حقوقشان، یعنی آزادی بود بگشاید. برپاداری این آئین‌ها علاوه بر بُعد مذهبی و اعتقادی که در اولویت قرار داشت دارای ابعاد آموزشی، تعلیمی، اخلاقی، عبرت‌آموزی و سرگرمی بود، صرف‌نظر از همه‌ی این ابعاد، به مثابه‌ی کارترین مرهم، برای دردهایی بود که آن را به دوش می‌کشیدند. هیچ زمان و مکانی بهتر از این اوقات و بهتر از مساجد و حسینیه‌ها نمی‌توانست به آنان مجال آزادانه گریستن، زمزمه کردن را بدهد.

رکود روضه و روضه‌خوانی

از اواسط دوره قاجار با رویکرد علما به جایگاه منبر، آسیب‌شناسی در این زمینه آغاز شد. یکی از این افراد، میرزا حسین نوری طبرسی بود که به آسیب‌شناسی مقاتل و به مقابله با تحریفات و دروغ‌هایی که در منبر گفته می‌شد پرداخت، چنانکه وی کتاب لؤلؤ و مرجان را در مقابله با این تحریفات نگاشت. وی ویژگی‌های فردی را که به منبر می‌رود در این کتاب بیان کرده است از جمله :

«روضه‌خوان آنگاه در قطار چاکران آن حضرت درآید که آنچه گوید برای

حق عزو جل و ادای حق اولیائش (ع) باشد والا کاسبی خواهد بود که آن



فضائل و مصائب را سرمایه نموده و به آن مشغول تجارت شده. به هر حال تکلیف روضه‌خوان کاسب متدین این است که در باب اخذ اجرت بر کسب و عمل خود رجوع نماید به آن عالم که بنای عمل خود را بر تقلید از او گذارده و قسم حلال این گونه کسب را از او اخذ نماید و به همان قسمی که فرموده عمل کند تا از تبعات کسب حرام و مال حرام آسوده باشد و حال که خود را به جهت این کاسبی از بسیاری از فیوضات اخرویه محروم کرده بنکال و عذاب آن خود را گرفتار نکند». (نوری طبرسی، ۱۳۲۰:۲۲)

محمد باقر بیرجندی از شاگردان میرزا حسین نوری طبرسی بوده است که همان دغدغه‌ها و آسیب شناسی‌ها در آثار وی نیز وجود داشت. وی در کتاب کبریت احمر، راه استاد خود را در پیش گرفته و کار او را کامل تر کرده است. کبریت احمر در زمینه شرایط وعظ و واعظ و منبر و مستمع است.

قسمتی از کبریت الاحمر بیرجندی در انتقاد از مجالس روضه‌ی زنانه:

«شرط یازدهم آن که مرد باشد کسی که بر منبر موعظه و ذکر می‌رود نه زن، چه منبر جای باشانی است و مجلس حضرت خاتم‌الانبیاء و ملائکه است... سابق یک قدری مردم حیا می‌کردند مراعات دین به ظاهر می‌کردند. اما زمان ما به مقتضای آن که فرموده‌اند: بدترین امور، اموری است که تازه به میان می‌آورند. چنان بی‌حیایی در طایفه‌ی زنان شیوع یافته که اگر بتوانند و به ایشان واگذارند در محکمه‌ی شرع هم می‌نشینند و مرافعه هم می‌کنند و در حدیث طولانی مروی در سیزدهم بحارالانوار و روضه‌ی کافی است که زنان مثل مردان در آخرالزمان مجلس کنند و این بدعت‌های آخرالزمان است... و آن چه گذشت از مذمت مجالس زنانه در ماتم و آن



چه وارد شده است در لعن شوهری که اذن دهد زن را که به مجالس عروسی یا ماتم یا حمام برود، در صورتی است که مشتمل بر مفاسد خارجی باشد، مثل زمان ما و مجالس این عصر». (بیرجندی، ۱۳۸۸: ۸۹-۹۰)

حاج ملا محمد اشرفی مشهور به حجت الاسلام اشرفی نیز در زمینه مقتل، کتاب کشف اسرارالشهاده را نگاشته است. وی در زمینه‌ی شهادت امام حسین (ع)، بیان می‌کند: «بدان که در حقیقت مقتضای شهادت حسینیه (ع)، شهادت حسنیه (ع)، شهادت فاطمیه (ع)، شهادت علویه (ع) و شهادت محمدیه (ع) است. در واقع مصیبت او، بزرگ‌ترین مصیبت‌هاست و به سببشهادت آن بزرگوار، چنان ضعف و سستی برای ایمان و اهل ایمان حاصل شد که از بین نمی‌رود مگر بعد از ظهور امام دوازدهم عجل الله تعالی فرجه الشریف که فرزند همین بزرگوار است». (اشرفی، ۱۳۸۹: ۱۳۸)

در گزارش‌های نظمی از پرداخت پول به شرکت‌کنندگان در مجلس روضه‌ی برگزار شده در خانه صنیع‌الدوله (محمد حسن خان اعتمادالسلطنه) خبر داده و گفته‌اند که در آن مجلس در روزهای نخستین ماه محرم بعد از ختم روضه به زن‌ها، هر یک، یک دانه شاهی سفید می‌دادند و در روز هشتم محرم علی‌الرسم، به زن‌ها هر یک پنج شاهی داده‌اند.

با توجه به محدوده شهر و محلات و تعداد جمعیت تهران در آن روزگار، می‌توان استنباط کرد که تعداد مجالس عزاداری منعقد شده زیاد و شرکت‌کنندگان در آنها بسیار بوده‌اند. از بررسی گزارش مربوط به روز هفتم محرم ۱۳۰۴ برمی‌آید که در آن روز ۴۸ مجلس روضه یا تعزیه‌خوانی برپا بوده است. مجالس روضه گاه مختلط بوده و گاه تنها به مردان یا زنان اختصاص داشته است. مأموران نظمی از شرکت قریب



سیصد نفر مرد و زن در مجلس روضه‌خوانی منزل صنیع‌الدوله خبر داده اند و از گزارش‌های آنان برمی‌آید که مجلس روضه‌ی حاج ملا علی کنی از شلوغ‌ترین مجالس بوده است. آنان در گزارش مربوط به روز یکشنبه ۴ محرم آورده‌اند:

«دیروز در مجلس روضه‌خوانی جناب حاجی ملا علی جمعیت زیاد از مرد و زن حضور داشتند» و در گزارش مربوط فردای همان روز آمده است: «دیروز در مجلس روضه‌خوانی جناب حاجی ملا علی به حدی جمعیت شده بود که درب خانه را بسته بودند».

شور و هیجان و بروز احساسات مردم نیز در برخی گزارش‌ها مورد توجه قرار گرفته است. در مورد مجلس منعقد در خانه میرزا احمد پیشنماز چنین گزارش شده که:

«با این که روز اول بود، رقت زیادی برای مردم دست داده بود، به طوری

که در موقع روضه حاجی میرزاالطف‌الله، یک دو نفر زن غش کرده بودند»

یا «در مجلس روضه‌خوانی جناب حاجی ملا علی شورش و رقت زیادی

برای مردم پیدا شده بود و یا در مجلس روضه‌خوانی در منزل مرحوم آقا

سید صادق مردم حالت حزن غریبی داشتند، به طوری که سه چهار نفر

زن به حالت ضعف افتاده بودند». (گزارش‌های نظمیه، ۱۳۷۷/۱:۲۲۷)

علاوه بر گزارش‌های نظمیه، خاطرات قهرمان میرزا سالور که برادرزاده ناصرالدین

شاه بود نیز موجود است. مجلس روضه‌ی پدر او، عزالدوله در سال ۱۳۰۸ق. در

تجربش برپا شده بود و وی از شرکت صد و هفتاد نفر زن و هشتاد نفر مرد در مجلس

روز چهارشنبه نهم صفر و شرکت دویست نفر زن و جمعاً دویست و پنجاه نفر زن

و بچه در مجلس روز یازدهم صفر خبر می‌دهد. او در ادامه‌ی خاطرات خود متذکر

می‌شود که به هنگام شیوع بیماری وبا در تهران به سال ۱۳۱۰ق. تعداد مجالس

روضه‌خوانی فزونی یافت. وی در روز ۲۲ محرم ۱۳۱۰ق. چنین نگارش کرده: «دو



سه مرتبه خلق تهران با علما و سادات به حضرت عبدالعظیم و امام زاده حسن و امام زاده اهل علی، مصلی رفته‌اند. هر مرتبه متجاوز از بیست هزار نفر بودند. صدقه، روضه‌خوانی و بذل و بخشش به شدت زیاد شده». (قهرمان میرزا، ۱۳۷۴: ۱/۴۷۲)

همچنین در روز شنبه ۲۹ محرم ۱۳۱۰ ق. نوشته است: «روضه‌خوانی و خیرات به حدی در تهران و شمیرانات زیاد شده که چه نویسم... دسته‌جات سینه‌زن متصل در گردش است. تمام مردم زاهد و عابد شده‌اند». (همان: ۴۸۴)

چنان که ذکر شد، در آن دوره مجالس روضه به گستردگی برپا می‌شد. برای اداره این مجالس تربیت نیروهای کارآمد ضروری بود و دانشوری پرآوازه به نام ملا آقا دربندی که خود علاقه زیادی به برگزاری مراسم سوگواری سالار شهیدان داشت، آستین همت بالا زد و با نگارش کتاب «اسرار الشهاده» به رفع این نیاز پرداخت.

«ملا آقا دربندی در علوم معقول و منقول ماهر بود. مطالبش در کلام و حکمت مطابق موازین شرعیه بوده است. دربندی در محبت خانواده‌ی عصمت و نشر علوم و معارف حقه‌ی اسلامی و تعصب شریعت مقدسه معروف آفاق بود. بالخصوص نسبت به حضرت حسین بن علی (ع) محبت مفرط و بی‌نهایت داشت، در احیاء مراسم عزاداری آن بزرگوار مساعی جمیله به کار برده و نوادر بسیاری از وی منقول است، کتب علمیه و احادیث و اخبار را بسیار معزز و موقر می‌شمرد و اهتمام تمام در احترام آن‌ها معمول می‌داشت». (مدرس، ۱۳۴۹: ۲۱۶)

عمده شهرت او به سبب اهتمام ویژه در برقراری مراسم عزاداری امام حسین (ع) و تألیف کتاب اکسیر العبادات فی اسرار الشهادت است که به «اسرار الشهاده» معروف است. وی این کتاب را در چهل و چهار مجلس تدوین نمود، برای آن، دوازده مقدمه قرار داد و خاتمه‌ای بر آن نوشت. در هر یک از این بخش‌ها، مجالس متعدد جای



گرفت و نوشتن آن همه، هجده ماه زمان برد و سرانجام جمعه ۱۵ ذی القعدة سال ۱۲۷۲ق. آن را به پایان برد. (منظورالاجداد، ش ۱، ۱۳۸۰: ۱۷۴)

ملا آقا دربندی، روحیه‌ای سریع‌التأثیر و عاطفی و جانی سرشار از عشق به اهل بیت (ع) داشت و افزون بر نگارش کتاب مقتل، خود در اقامه‌ی مراسم سوگواری امام شهیدان پیش گام بود و به ویژه در روز عاشورا، رفتاری عجیب از وی ظاهر می‌شد. سخن اعتمادالسلطنه در مورد او این است که در آن روز از او «عادات دیوساران، در جوامع موج از تعزیه‌داران به صدور می‌رسید، بی‌اختیار عمامه بر زمین می‌کوفت و گریبان چاک می‌زد و بر سر خاک می‌ریخت». (اعتمادالسلطنه، ۱۳۷۴: ۱۸۹)

محمد بن سلیمان تنکابنی نیز می‌نویسد که وی «در اقامه مصیبت حضرت سیدالشهداء مواظب و متصلب و راسخ بود به نحوی که در بالای منبر از شدت گریه غش می‌کرد و در روز عاشورا لباس خود را از بدن می‌کند و لنگ می‌بست و خاک بر سر می‌ریخت و گل به بدن می‌مالید». (تنکابنی، بی تا: ۱۰۹)

اهتمام این دانشور برجسته به برگزاری مراسم سوگواری امام حسین (ع)، از دیده‌ی مردم دور نمی‌ماند، بر آنان تأثیر می‌گذاشت و آنان از وی الگو می‌گرفتند. ملا آقا دربندی خود نیز به منبر می‌رفت و در القای مطالب، شیوه‌ای خاص و تأثیرگذار داشت و می‌توان وی را آموزگار اهل منبر در دوره‌ی پادشاهی ناصرالدین شاه دانست. گذشته از دو ماه محرم و صفر، مجالس روضه‌خوانی در دیگر ماه‌های سال نیز برگزار می‌شد و رسم روضه‌های هفتگی و ماهانه را ملا آقا دربندی بنیاد نهاد. برگزاری موفق آن مراسم که گاه‌گاه خارج از زمان مربوط به مناسبت‌های مذهبی صورت می‌گرفت، نیاز به تأمین مواد و آموزه‌هایی داشت که شخص منبری را به القای مطالب مختلف توانا سازد. در این زمینه، آثار ملا اسماعیل واعظ سبزواری (متوفی ۱۳۱۲ق) کارگشا افتاد. تسلط ملا اسماعیل بر معارف سنتی و تبحر او در تنظیم و تبویب مطالب، به او این



امکان را داد که از نظر محتوای منبر، راهنمای واعظان گردد. او خود القای وعظ و خطابه را کاری دشوار می‌دانست و در مجلس سی و هفتم از مجالس یکصد و شصت‌گانه‌ی کتاب عددالسنه به تشریح شرایط وعظ و واعظ پرداخته و مهیا کردن اسباب معاش، فراغت از هر مشغله، برخورداری از کتابخانه‌ای کامل، تحصیل زبان عربی، حافظه نیکو، ذوق سلیم، آگاهی از کلیات هر علم و اصطلاحات اهل فن، نیکو زبانی، تقوا و پرهیزکاری و قوت قلب را از جمله شرایط واعظ برشمرده است. (منظورالاجداد، ۱۳۸۰:۱۷۶)

از واعظین دوره قاجار، علاوه بر ملا آقا دربندی و ملا اسماعیل واعظ، چندین تن دیگر در عرصه وعظ، خوش درخشیدند و برخی از آنان همچون سید ابوطالب صدرالذاکرین از محبوبیت بسیار برخوردار شدند. مخبرالسلطنه از ویژگی صدای صدرالذاکرین سخن گفته، می‌افزاید:

«سید ابوطالب صدرالذاکرین از اخلاق خوش و مردم‌داری هم بهره‌مند بود. نظمیه در ضمن وقایع روز دوشنبه ۵ محرم ۱۳۰۴ گزارش داده که وی « در خیابان چراغ‌گاز برای رسیدن به مجلس روضه‌خوانی سوار می‌تاخته، پسرهای شاگرد نعل‌بند عبور می‌کرده است. مشارالیه به او پهلوی انداخته بود. صدرالذاکرین ملتفت گردیده ایستاده یک مشتتقل به چند دانه شاهی سفید به او داده و از خود راضی‌ش کرده، می‌رود». (گزارش‌های نظمیه، ۱۳۷۷:۱/۱۶۴)

علاوه بر این افراد می‌بایست از میرزا محمدرضا واعظ همدانی یاد کرد که، در فقه و اصول و تفسیر و حکمت و کلام و عرفان ید طولایی داشت و مردم به مجلس موعظت و تذکیر وی، میل عجیبی داشتند. از جمله مشهورترین روضه‌خوانان دوره قاجار می‌توان حاج میرزا لطف الله اصفهانی، حاج تاج نیشابوری، سید باقر جندقی، حاج

سید حسن و شیخ طاهر خراسانی (ضیاء الدین) را نام برد. سید محمد کمره‌ای در خاطرات خود در مورد مجالس روضه در پایان دوره قاجار مطالبی را بیان می‌کند که نشان می‌دهد مجالس روضه به ابزاری برای بیان مقاصد سیاسی تبدیل شده بود از جمله:

«چهارشنبه هشتم محرم، وارد خانه‌ی بهبهانی شده، خیلی جمعیت و مجلس گرمی بود. دو سه روضه‌خوان گوش (کرده)، بعد مشیرالدوله و مستوفی را هم دیدم آمدند. بعد شیخ مهدی روضه‌خوان را دیدم آمد بالای منبر. بعد از مدتی از بیانات و توصیه، دیدم گریز به رشتی‌ها و شریف‌العلما و فجایع وارده به آن‌ها شروع نمود. من بی‌اختیار دیدم اگر بنشینم تحمل نمی‌توان بکنم که در مجلس سیدالشهداء و هشتم محرم، روضه‌ای که انگلیس‌ها و اتباع آن‌ها تعلیم به این روضه‌خوان‌ها که اولاد روحانی خطیب دمشقی هستند داده‌اند، بخوانند و من تحمل نمایم». (کمره‌ای، ۱۵۸۵/۲:۱۳۸۴)

رونق آئین تعزیه، البته در مقابل، رکود نمونه‌ی مشابه و دیرپای خود، یعنی مجالس روضه خوانی را هم به دنبال داشت. علاوه بر آن که تعزیه به دلایل مختلف، از جمله ماهیت نمایشی اش، به مراتب جذاب‌تر و عوام‌پسندتر از روضه‌خوانی بود و طبیعی بود که عامه آن را به روضه ترجیح دهند از بعد محتوایی هم رواج تعزیه ارکان روضه‌خوانی را تضعیف و متزلزل کرد. غلبه‌ی قالب تعزیه (خصلت نمایشی) بر درون مایه‌اش (بیان مصائب اهل بیت) که نتیجه‌ی طبیعی توجه شاه بود، به مرور باعث جایگزینی تعزیه به جای روضه شد. خصوصاً که تعزیه تفاوتی کلیدی با روضه‌خوانی داشت، به طوری که در روضه‌خوانی برگ برنده دست واعظ است و به هر حال سر رشته‌ی کار به روحانیون و علما برمی‌گشت، اما در تعزیه دیگر این صنف نقش و



جایگاه پیشین را نداشتند و سر رشته‌ی کار کاملاً به عوام واگذارده شده بود. رمز مخالفت و عدم تمایل و حمایت علما نسبت به تعزیه همین مسئله است. از جمله علمای مخالف و منتقد شبیه‌خوانی در این عصر، می‌توان به شیخ جعفر شوشتری، شیخ هادی نجم آبادی، ملا محمد تقی برغانی، محمد باقر بیرجندی و شیخ جعفر نجفی اشاره کرد. (حسام مظاهری، ۹۷:۱۳۸۷)

نتیجه‌گیری

روضه و روضه‌خوانی یکی از شکل‌های عزاداری بود که در کنار شکل‌های دیگر (قمه‌زنی و تعزیه) برگزار می‌شده است. در روضه‌خوانی همه اقشار و طبقات مردم شرکت می‌کردند و محل برگزاری آن در سابق، بیشتر چادرهای سیاهی بود که در میدان‌های عمومی شهرها یا روستاها برپا می‌کردند. البته این مراسم در مساجد یا حیاط خانه‌ها و نیز بناهای ویژه‌ای به نام حسینیه یا تکیه نیز انجام می‌گرفت. این مکان‌ها را به خوبی مفروش می‌کردند و با نوارها و پرچم‌های سیاه عزاداری و نیز انواع سلاح‌ها که یادآور نبرد کربلا بود درست می‌کردند. روضه‌خوانی یا برای عموم و در سطح گسترده برگزار می‌شد یا در مقیاسی کوچک برای زنان خانه و زنان اقوام و دوستان و همسایگان. مراسم اصلی روضه‌خوانی در دو ماه محرم و صفر برگزار می‌شد، اما در هر زمان از سال به خصوص در شب‌های جمعه نیز برگزار می‌گردید. رونق آئین تعزیه، البته در مقابل، رکود نمونه‌ی مشابه و دیرپای خود، یعنی مجالس روضه‌خوانی را هم به دنبال داشت. علاوه بر آن که تعزیه به دلایل مختلف، از جمله ماهیت نمایشی اش، به مراتب جذاب‌تر و عوام‌پسندتر از روضه‌خوانی بود و طبیعی بود که عامه آن را به روضه ترجیح دهند از بعد محتوایی هم رواج تعزیه ارکان روضه‌خوانی را تضعیف و متزلزل کرد. غلبه‌ی قالب تعزیه (خصلت نمایشی) بر درون مایه‌اش (بیان مصائب اهل بیت) که نتیجه‌ی طبیعی توجه شاه بود، به مرور باعث

جایگزینی تعزیه به جای روضه شد. خصوصاً که تعزیه تفاوتی کلیدی با روضه خوانی داشت، به طوری که در روضه خوانی برگ برنده دست واعظ است و به هر حال سر رشته‌ی کار به روحانیون و علما برمی‌گشت، اما در تعزیه دیگر این صنف نقش و جایگاه پیشین را نداشتند و سر رشته‌ی کار کاملاً به عوام واگذار شده بود. رمز مخالفت و عدم تمایل و حمایت علما نسبت به تعزیه همین مسئله است.

منابع

- اتحادیه، منصوره و روحی، سعید (۱۳۸۵). در محضر شیخ فضل الله نوری، اسناد حقوقی عهد ناصری، تهران: نشر تاریخ ایران.
- اشرفی، ملا محمد اشرفی (۱۳۸۹). کشف اسرار الشهادة، بازنویسی و تحقیق مجتبی خورشیدی. قم: طوبای محبت.
- اعتصام الملک، میرزا خانلر خان (۱۳۵۱). سفرنامه خانلر خان اعتصام الملک، تهران: منوچهر محمودی.
- اعتمادالسلطنه، محمد حسن خان (۱۳۷۴). چهل سال تاریخ ایران در دوره پادشاهی ناصرالدین شاه (المآثر و الآثار). به کوشش ایرج افشار، ج ۱، تهران: اساطیر، چ ۲.
- امین لشکر، قهرمان (۱۳۷۸). روزنامه خاطرات امین لشکر، تهران: اساطیر.
- امین، حسن (۱۳۷۳). «نگاهی به وعظ و خطابه در عصر قاجار». فصلنامه میراث جاویدان، ش ۴ و ۳.
- آوری، پیتر (۱۳۸۷). تاریخ ایران دوره‌ی پهلوی از رضا شاه تا انقلاب اسلامی، ج ۷. تهران: جامی.
- بیرجندی، محمد باقر (۱۳۸۸). کبریت احمر فی شرایط المنبر، قم: صبح پیروزی.



- تبریزی، علی (۲۵۳۵). مجموعه آثار قلمی ثقة الاسلام تبریزی، با تصحیح نصرالله فتاحی. تهران: انجمن آثار علمی.
- تنکابنی، میرزا محمد (بی تا). **قصص العلماء**، به سرمایه حاج سید محمود کتابچی. تهران: کتابفروشی علمیه اسلامیة طهران
- حسام مظاهری، محسن (۱۳۸۷). **جامعه‌شناسی آئین‌های سوگواری و هیئت‌های مذهبی در ایران** (رسانه شیعه). تهران: چاپ و نشر بین الملل، چ ۲.
- حسینی فسایی، میرزا حسن (۱۳۸۲). **فارسانامه ناصری**، ج ۲، تهران: امیرکبیر، چ ۳.
- دولت آبادی، یحیی (۱۳۶۱). **حیات یحیی**، ج ۱، تهران: عطار.
- کمره‌ای، محمد (۱۳۸۴). **روزنامه خاطرات سید محمد کمره‌ای**، ج ۲، تهران: اساطیر. گزارش های نظمیة از محلات طهران: راپورت وقایع مختلفه محلات دارالخلافه (۱۳۰۳-۱۳۰۵)، ج ۱، تهران: سازمان اسناد ملی ایران.
- مخبرالسلطنه، مهدیقلی خان (۱۳۶۱). **خاطرات و خطرات**، تهران: کتابفروشی زوار تهران، چ ۳
- مدرس، محمد علی (۱۳۴۹). **ریحانه الادب فی تراجم المعروفین بالکنیه واللقب**، ج ۲، تبریز: شفق، چ ۳.
- مستوفی، عبدالله (۱۳۲۴). **شرح زندگانی من** (تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه)، ج ۱-۳، تهران: کتابفروشی محمد علی علمی، چ ۳.
- منظورالاجداد، محمد حسین (۱۳۸۰). «بزرگداشت حماسه‌ی حسینی در تهران عصر ناصری». فصلنامه تاریخ اسلام دانشگاه باقرالعلوم (ع). ش ۱.
- میرزا حسین خان (۱۳۸۲). **خاطرات دیوان بیگی** (میرزا حسین خان). بکوشش ایرج افشار و محمد رسول دریاگشت. تهران: اساطیر.

ناصرالدین شاه (۱۳۷۸). یادداشت‌های روزانه ناصرالدین شاه (۱۳۰۰-۱۳۰۳).

بکوشش پرویز بدیعی. تهران: سازمان اسناد ملی ایران.

نوری طبرسی، حسین (۱۳۲۰). لؤلؤ و مرجان. بی‌جا: بی‌نا.





تاریخنامه خوارزمی - فصلنامه علمی - تخصصی - سال سوم، زمستان ۱۳۹۴